

موضوع فرضیت تحصیل معرفت الله و

عدم کفایت تقلید

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله، حضرت عبداله‌بهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (1) - امر و خلق، جلد 1

۱ - موضوع فرضیت تحصیل معرفت الله و عدم کفایت تقلید

در صحیفه اصول و فروع حضرت نقطه است قوله الاعلی: "بدانکه اصل دین معرفه الله است و کمال معرفت توحید است و کمال توحید نفی صفات و الهیات از ذات مقدس او و کمال نفی ورود لجه احدیه است بعلم و قطع و مشاهده وصل وجود آن و حقیقت این مراتب آیت واحده است که بآن عرفان و ایقان وجود حضرت ربّالعزّه حاصل است."

و از حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه (* در لوح اصل کلّ الخیر*) است: "اصل کلّ العلوم هو عرفان الله جلّ جلاله."

و در لوحی از آن حضرت است قوله الاعلی: "معلوم آن جناب بوده که لم یزل مقصود از آفرینش معرفت حقّ بوده و خواهد بود و این معرفت منوط بعرفان انفس عباد بوده که ببصر و قلب و فطرت



ORIGINAL

خود حق را ادراک نمایند چه که تقلید کفایت ننماید، چه در اقبال و چه در اعراض. اگر باین رتبه اعلیٰ فائز شوی بمنظر اکبر که مقام استقامت در مجاهده فیالله است واصل خواهید شد.

و در لوحی دیگر قوله الاعلیٰ: "بگو ای عباد وصایای مظلوم را بشنوید اول هر امری و ذکرى معرفت بوده اوست ممد کلّ و مربی کلّ."

و در لوحی دیگر قوله الاعلیٰ: "و بعد از خلق ممکنات و ایجاد موجودات بتجلی اسم یا مختار انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلق کائنات بود اختیار نمود چنانچه در حدیث قدسی مشهور مذکور است." و در لوحی دیگر: "یوم یوم الله است و کلّ ما سواه بر هستی و عظمت و اقتدار او گواه بعضی شناخته و گواهی داده و برخی گواهی میدهند و لکن او را نشناختهاند. شکی نبوده و نیست که کلّ در حقیقت اولیّه لعرفانالله خلق شدهاند من فاز بهذا المقام قد فاز بكلّ الخیر و این مقام بسیار عظیم است بشأنی که اگر عظمت آن بتمامه ذکر شود اقلام امکانیه و اوراق ابداعیه کفایت ننماید و ذکر این مقام را بانتهای نرساند طوبی از برای نفسی که در یومالله بعرفان مظهر امر و مطلع آیات و مشرق ظهورات الطافش فائز شد اوست از مقدّسین و مقربین و مخلصین اگر چه این مقام در خود او بشأنی مستور باشد که خود او هم ملتفت نباشد."

و در کتاب مبارک ایقان قوله جلّ جلاله: "... سالکین سبیل ایمان و طالبین کؤس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شئون ارضیه پاک و مقدّس نمایند یعنی گوش را از استماع اقوال و قلب را از ظنون متعلّقه بسبحات جلال و روح را از تعلّق باسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه کلمات فانیه و متوکّلین علیالله و متوسّلین الیه سالک شوند تا آنکه قابل تجلیات اشراقات شمس علم و عرفان الهی و محلّ ظهورات فیوضات غیب نا متناهی گردند."

و از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است قوله العزیز: "بدانکه این اعمال و رفتار و گفتار ممدوح است و مقبول و شرف عالم انسانی است ولی مجرد این اعمال کفایت ننماید زیرا جسدی است در نهایت لطافت ولی بیروح بلکه سبب حیات ابدیه و عزّت سرمدیه و نورانیت کلیه و فوز و فلاح حقیقی اول عرفان الهی است و این معلوم است که معرفت حقّ مقدّم بر هر عرفانی است و این اعظم منقبت عالم انسانی است زیرا در وجود معرفت حقایق اشیاء فوائد جسمانی بخشد و مدنیت صوری ترقی نماید اما عرفان الهی سبب ترقی و انجذاب روحانی و بصیرت حقیقی و علویت عالم انسانی و مدنیت ربّانی و تعدیل اخلاق و نورانیت وجدان گردد." حاشیه

در کتاب کافی کلینی نقل از امام جعفر صادق: "علیکم بالتفقه فی دین الله و لا تكونوا اعرابا فانه من لم یتفقه فی دین الله لم ینظر الیه فی یوم القیامة ولم یزک له عملا و قوله اذا رأیتم الرجل کثیر الصلوة کثیر الصوم فلا تباہوا به حتی تنظروا کیف عقله."

و قوله: "العقل دلیل المؤمن." در تفسیر بیضاوی در شرح آیه قرانیه و من یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون در وجه اتیان بجملة لا برهان به قوله.

صفته اخرى لآله لازمة فان الباطل لا برهان به حیثی بها للتاکید و بناء الحكم علیه تنبیها علی ان التدين بما لا دلیل علیه ممنوع فضلا عما دل الدلیل علی خلافه